



A structural model of the effect of early maladaptive schemas on marital conflicts mediated by alexithymia

Atosa Asadzadeh, Ph.D

Psychology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammad Baqir Hobi, Ph.D

Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Hossein University, Tehran, Iran

Mahdi Zare Bahramabadi, Ph.D

Associate professor of Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abdolhassan Farhangi, Ph.D

Assistant Professor, Department of Psychology, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Marital conflict is an interactive process in which couples feel uncomfortable about aspects of their relationship and sometimes try to resolve it in different ways. The aim of this study was to determine the appropriateness of structural equation modeling of early maladaptive schemas and marital conflicts with the mediating role of alexithymia. This research is applied and in terms of methodology, is the descriptive of correlation between structural equations. The statistical population of this study included all married people who referred to the psychological clinics of Tehran's District 2 in the period from February 2016 to July 2017, which is at least one year after their married life. In order to sample 300 people from the mentioned community, they were randomly selected by voluntary sampling method. Data collection questionnaires Marital conflict questionnaire (Sanai, Barati and Boostanipoor, 1996), Yang's early maladaptive schemas (Young & Brown, 2005), and Toronto's Emotional Disappointment (Bagby, Taylor & Parker, 1994) were used to collect data. The data were collected using statistical method of structural equation modeling (SEM) using AMOS_22 software. The results showed that the fit indicators after model modification have property values and are in good fit with the research model and also the scope of early maladaptive schemas is related to the mediating role of questionnaires with marital conflicts. The result is that existing relationships can be used to improve marital relationships.

Key word: marital conflict, alexithymia, early maladaptive schemas, equation modeling

الگوی ساختاری تأثیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر تعارضات زناشویی با میانجیگری ناگویی هیجانی

آتوسا اسدزاده

دکتری روانشناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمدباقر حبی*

استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

مهدی زارع بهرام آبادی

دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

عبدالحسن فرهنگی

استادیار گروه روانشناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

هدف از این پژوهش تعیین برازش مدل‌سازی معادلات ساختاری و بررسی تأثیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعارضات زناشویی با نقش میانجی‌گری ناگویی هیجانی بود. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش‌شناسی در زمره پژوهش‌های توصیفی همبستگی از نوع معادلات ساختاری است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متأهل مراجعه‌کننده به کلینیک‌های روان‌شناسی منطقه ۲ شهر تهران در بازه زمانی بهمن ماه سال ۱۳۹۷ تا تیرماه سال ۱۳۹۸ بود که حداقل یک سال از زندگی زناشویی آن‌ها گذشته باشد. برای نمونه‌گیری ۳۰۰ نفر از جامعه مذکور به صورت هدفمند و به روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه تعارضات زناشویی (Sanai, Barati and Boostanipoor, 1996)، طرحواره‌های ناسازگار اولیه (Young & Brown, 2005) و ناگویی هیجانی تورنتو (Bagby, Taylor & Parker, 1994) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش آماری مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از نرم‌افزار AMOS_22 جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد که شاخص‌های برازش، پس از اصلاح مدل از مقادیر مطلوبی برخوردار است و داده‌های این پژوهش با مدل پژوهش برازش مطلوبی دارد. کلیه حیطه‌های طرد و جدایی، عملکرد مختل، مرزهای مختل، دیگر جهت‌مندی و گوش به زنگی با نقش میانجی‌گری ناگویی هیجانی بر تعارضات زناشویی تأثیر دارد. نتیجه آنکه می‌توان از روابط موجود برای بهبود روابط زناشویی استفاده کرد.

کلمات کلیدی: تعارضات زناشویی، ناگویی هیجانی،

طرحواره‌های ناسازگار اولیه، معادلات ساختاری، متأهل

مقدمه

(Rusu, 2012) طرحواره‌هایی چون انزوای اجتماعی، محرومیت هیجانی، نقص و شرم، وابستگی و بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری به ضرر و اطاعت و ایثار با تعارض زناشویی رابطه مثبت معناداری دارند.

طرحواره‌ها چارچوب ذهنی‌اند که افراد با استفاده از آن اطلاعات دریافتی را با توجه به نوع طرحواره غالب خود سازماندهی می‌کنند (Murphy, et al., 2018)؛ به عبارت دیگر افراد به اطلاعاتی که با طرحواره آن‌ها هماهنگی بیشتری دارد توجه می‌کنند و با تلاش کمتری اطلاعات حاصل از محیط را پردازش می‌کنند (Obara & Kashihara, 2017). (Beck, 1990) برخی از این طرحواره‌ها را که در سال‌های اولیه کودکی تشکیل می‌شوند و اصولاً موجب تحریف‌های شناختی افراد در دوران زندگی می‌شوند را می‌توان با عنوان «طرحواره‌های ناسازگار اولیه» مطرح کرد و (Young, 1999) نیز این نوع از طرحواره‌ها را هسته اصلی اختلالات شخصیت و تعارضات بین فردی دانست (Kiley, 2017).

طرحواره‌های ناسازگار اولیه به اعتقادات منفی عمیقی درباره خود، دیگران و جهان اشاره دارد که در سال‌های اولیه زندگی پرورش پیدا می‌کنند (Vogel, et al., 2018)؛ به عبارت دیگر، طرحواره‌های ناسازگار موجب سوگیری ما در تفسیر از رویدادها می‌شود که ممکن است با عواملی چون سوء تفاهم‌ها، گمان نادرست و یا چشم‌داشت‌های غیرواقع‌بینانه همراه شود (Antoine, Antonie & Nandrino, 2008). در واقع طرحواره‌ها مانند شمشیرهایی دو لبه‌اند، از طرفی به ما کمک می‌کنند با کمترین تلاش بیشترین پردازش اطلاعات را به دست آوریم و از سوی دیگر تعبیر ما را از جهان تحریف می‌کنند (Meyers & Smith, 2012) که این امر موجب تعارضات هرچه بیشتر زوجین با یکدیگر می‌شود.

رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارضات زناشویی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. یکی از متغیرهایی که می‌تواند در این بین نقش مهمی را ایفا کند ناگویی هیجانی (Alexithymia) است (Sayadi 2016 & Pornor, 2015). ناگویی هیجانی، نوعی عدم توانایی شناخت اطلاعات هیجانی و تنظیم آن‌هاست که فرد مبتلا ممکن است در شناسایی احساسات افراد، برقراری رابطه و یا توصیف

هنگامی که افراد بر سر موضوعی خاص با یکدیگر اختلاف نظر داشته باشند، زمینه برای بروز تعارض در بین این افراد مهیا می‌شود (Jahandideh Kazempour, 2003)؛ این قبیل تعارضات در روابط بین فردی، به خصوص روابط بین زوجین امری شایع است (Guerin, et al., 1987) که موجب نارضایتی زوجین از زندگی زناشویی می‌شود (Talanquer, 2018, Cheng, 2018 & P. Greeff, Tanya De Bruyne, 2000). اگر این تعارضات در بین زوجین ادامه پیدا کند ممکن است موجب آزار رفتاری یا کلامی یکی از زوجین به دیگری شود و عملکرد خانواده را تحت تأثیر خود قرار دهد (Cummings & Davies, 2010). در صورتی که خانواده عملکرد مطلوبی نداشته باشد موقعیتی برای زوجین ایجاد می‌شود که در آن نبود گفتگو و سرکوب اعتماد، موجب حالتی دفاعی می‌شود (Markman, Stanley, & Blumberg, 2001) که تجربه این بحران عاطفی، در هر یک از زوجین، موجب ایجاد تعارض می‌شود (Vaezi, 2018). در واقع تعارض، تعاملی است که در آن هریک از طرفین تمایلات، دیدگاه‌ها و عقاید متفاوت خود را بیان می‌کنند (Kline, et al., 2006). ذکر این نکته ضروری است که همه تعارضات هم مخرب نیستند و وجود برخی تعارضات در ارتباط زوجین با یکدیگر طبیعی‌اند (Faircloth, 2012)؛ اما نوع برخورد با تعارض می‌تواند مشکلاتی را در ارتباط زوجین با یکدیگر به وجود آورد (James Parker, 2017, & Park & Byun, 2019). پژوهش‌های متعددی نشان دادند که یکی از متغیرهای روان‌شناختی که بر تعارضات زناشویی تأثیر دارند، طرحواره‌های ناسازگار اولیه (early maladaptive schemas) هستند (Asghari, et al., 2015). برخی افراد به دلیل تجارب منفی دوران کودکی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه‌ای را ایجاد می‌کنند که بر شیوه‌های تفکر، احساس و رفتار آن‌ها در روابط صمیمانه‌ی بعدی و سایر جنبه‌های زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، محرومیت اولیه در دوران کودکی، موجب شکل‌گیری طرحواره‌هایی می‌شود که در سیر زندگی بعدی تداوم یافته و منجر به روابط بین فردی ناکارآمد و در نهایت تعارض زناشویی شود (Kebritchi & Dumitrescu, 2016). به عقیده (Mohammadkhani, 2016)

احساس‌ها دچار مشکل باشد (Shidido, 2011). چنین افرادی نسبت به هیجان‌های خودآگاهی کافی را ندارند و یا همواره دچار ابهام‌های هیجانی‌اند؛ بنابراین نمی‌توانند احساس‌های خود را به طور مناسبی بروز دهند (Swart, Kortekaas & Aleman, 2009). ناگویی هیجانی موجب می‌شود افراد نتوانند درک درستی از هیجان‌های خود داشته باشند و نشانه‌های هیجانی معمول را به‌طور اشتباه تفسیر کنند و یا در بازشناسی و توصیف کلامی هیجان‌های خود دچار مشکل باشند (Kim, Chow, Bray & Teti, 2017).

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر ناگویی هیجانی تأثیر مستقیمی دارد.
- ۲- طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر تعارضات زناشویی تأثیر مستقیمی دارد.
- ۳- طرحواره‌های ناسازگار اولیه به دلیل نقش میانجی ناگویی هیجانی بر تعارضات زناشویی تأثیر دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش‌شناسی در زمره پژوهش‌های توصیفی همبستگی از نوع معادلات ساختاری (structural equation model) است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متأهل مراجعه‌کننده به کلینیک‌های روان‌شناسی منطقه ۲ شهر تهران در بازه زمانی بهمن‌ماه ۱۳۹۷ تا تیرماه ۱۳۹۸ بود که حداقل یک سال از زندگی زناشویی آن‌ها گذشته باشد. نمونه مورد نظر از جامعه ذکرشده به صورت هدفمند و به روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شد. برای تعیین حجم نمونه با وجود بسیاری از پژوهشگران، حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ بود (Garver & Mentzer, 1999). کلاین نیز معتقد است در تحلیل ساختار برای هر پارامتر ۱۰ یا ۲۰ نمونه لازم است؛ اما حداقل حجم نمونه ۲۰۰ قابل دفاع است (Kline, 2010)؛ بنابراین در این پژوهش حجم نمونه ۳۵۰ نفر در نظر گرفته شد که در انتخاب نمونه، ۱۰ مرکز مشاوره در منطقه ۲ تهران به صورت تصادفی انتخاب و مراجعان این کلینیک‌ها در این بازه زمانی و از هر مرکز ۳۵ نفر به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند که در نهایت در غربالگری داده‌ها ۵۰ مورد از داده‌ها به علت نامناسب بودن

خود افشایی هیجانی در مقابل ناگویی هیجانی، از ویژگی‌های کارکرد روانی و شخصیتی افراد سالم است (Waring, Holden & Wesleyy, 1998) که نشان‌دهنده قاطعیت در روابط و همین‌طور بیان صریح اینکه من چه کسی هستم، در چه موقعیتی قرار دارم و می‌خواهم چگونه با من رفتار شود، است (Vaezi, 2018)؛ به عبارت دیگر، خود افشایی شامل آشکار کردن افکار، تجارب قبلی و هیجان‌های درونی برای شخصی دیگر است و بخش مهمی از روابط بین فردی را تشکیل می‌دهد (Valtman, 1973). این هیجان‌ها در دامنه‌ای از احساس عشق، دوست داشتن، لذت و شادی تا غم، ناامیدی، حسد و نفرت، قرار دارند و مطالعات نشان می‌دهند همسرانی که خود را برای یکدیگر فاش می‌سازند، رضایت بیشتری از ازدواج خود دارند (Besharat & et al., 2014 & Vaezi, 2018)؛ زیرا ناگویی هیجانی با کنترل هیجانی و بازداری از ابراز پاسخ‌های هیجانی مناسب هنگام تعامل با دیگران در ارتباط است (Castonguay & Hill, 2007, Platts, Tyson & Mason, 2002).

تعارضات زناشویی که در نهایت منجر به طلاق و جدایی زوجین از یکدیگر می‌شود، پدیده‌ای چندبعدی است که می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار بگیرد. از آنجا که خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است، تاکنون پژوهش‌های بسیاری درباره رابطه بین ناگویی هیجانی (Saeedi & Ghasemi, 2017, Mehrzad Saber & Zenali, 2013, Moghtader, Halaj, 2018, Bitsika, Sharpley & Peters, 2010 & Castonguay & Hill, 2007) و طرحواره‌های ناسازگار اولیه (Azadbakht & Vakili, 2013, Asghari, et

از روند تحلیل حذف شدند و تحلیل داده‌ها با استفاده از ۳۰۰ مورد باقی‌مانده انجام شد. برای رعایت اصول اخلاقی پژوهش، به آزمودنی‌ها درباره طرح پژوهش و حفظ رازداری توضیح داده شد و آن‌ها با رضایت آگاهانه وارد پژوهش شدند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه تعارضات زناشویی. این پرسشنامه ابزاری ۵۴ گویه‌ای است. این پرسشنامه دارای ۸ بعد از تعارضات زناشویی شامل کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر است. این ابزار در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵ نمره‌گذاری می‌شود؛ بنابراین حداقل و حداکثر نمره‌ای که افراد از این پرسشنامه کسب می‌کنند بین ۵۴ تا ۲۷۰ است. نمرات زیاد در هریک از ابعاد، نشان‌دهنده تعارض بیشتر است. این ابزار توسط (Sanai, 2008) تهیه شده است که مقدار پایایی این ابزار با استفاده از روش همسانی درونی به شیوه آلفای کرونباخ برای کاهش همکاری ($\alpha=0/81$)، کاهش رابطه جنسی ($\alpha=0/61$)، افزایش واکنش‌های هیجانی ($\alpha=0/70$)، افزایش جلب حمایت فرزند ($\alpha=0/63$)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ($\alpha=0/86$)، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ($\alpha=0/89$)، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ($\alpha=0/71$)، کاهش ارتباط مؤثر ($\alpha=0/69$) و برای کل پرسشنامه ($\alpha=0/96$) به دست آمد. همچنین در این پژوهش نیز مقدار آلفای کرونباخ برای کاهش همکاری ($\alpha=0/75$)، کاهش رابطه جنسی ($\alpha=0/63$)، افزایش واکنش‌های هیجانی ($\alpha=0/81$)، افزایش جلب حمایت فرزند ($\alpha=0/71$)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ($\alpha=0/70$)، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ($\alpha=0/88$)، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ($\alpha=0/79$)، کاهش ارتباط مؤثر ($\alpha=0/66$) و برای کل پرسشنامه ($\alpha=0/87$) به دست آمد. گویه‌های این ابزار «من و همسر حساب‌های مالی جداگانه داریم» تعارضات بین زوجین را اندازه‌گیری می‌کند.

پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه (Young & Brown, 2005). این پرسشنامه ابزاری ۹۰ سؤالی و سومین ویرایش از این پرسشنامه است که ۱۸ طرحواره ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، رهاشدگی / بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی / بدرفتاری، انزوای اجتماعی / بیگانگی، نقص / بی‌مهری (بی‌عشقی) شکست در پیشرفت، وابستگی / بی‌کفایتی عملی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر و بیماری، گرفتاری، اطاعت، ایثار (فداکاری)، بازداری هیجانی، معیارهای سخت‌گیرانه، استحقاق داشتن / برتری داشتن، خویشنداری / خود انضباطی ناکافی، تحسین / جلب توجه، نگرانی / بدبینی، خود - تنبیهی را می‌سنجد. این ۱۸ طرحواره در تقسیم‌بندی دیگر دارای ۵ حیطه اصلی بریدگی و طرد ($\alpha=0/87$)، خودگردانی و عملکرد مختل ($\alpha=0/72$)، هدایت شدن توسط دیگران (دیگر جهتمندی) ($\alpha=0/69$) و گوش‌به‌زنگی بیش از حد ($\alpha=0/83$) و بازداری ($\alpha=0/77$) است که در این پژوهش برای رعایت اصل امساک در مدل از این تقسیم‌بندی استفاده شد. اعتبار این ابزار توسط (Ahi, 2004) در جمعیت غیربالینی با استفاده از آلفای کرونباخ در گروه زنان ($\alpha=0/97$) و در گروه مردان ($\alpha=0/98$) گزارش شده است. در این پژوهش نیز مقدار آلفای کرونباخ برای حیطه‌های بریدگی و طرد ($\alpha=0/74$)، خودگردانی و عملکرد مختل ($\alpha=0/80$)، هدایت شدن توسط دیگران (دیگر جهتمندی) ($\alpha=0/73$) و گوش‌به‌زنگی بیش از حد ($\alpha=0/76$) و بازداری ($\alpha=0/77$) گزارش شد. گویه‌های این ابزار نیز مانند «معاشرت با افراد سرشناس باعث احساس ارزشمندی من می‌شود» به گونه‌ای بخشی از طرحواره‌های ناسازگار اولیه را می‌سنجد.

مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو (Bagby, Taylor & Parker, 1994). ابزاری ۲۰ گویه‌ای است که سه زیرمقیاس «دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی» را شامل می‌شود. یک نمره کل نیز از جمع نمره‌های سه زیر مقیاس برای ناگویی هیجانی کلی محاسبه می‌شود. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است که از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق سنجیده و بررسی می‌شود. این ابزار توسط (Bagby, Taylor & Parker, 1994) تهیه شده است که مقدار آلفای کرونباخ را برای سه

روش فواصل مهالانوبیس^۵ شناسایی و از مجموع داده‌ها حذف شدند. نرمال بودن داده‌ها نیز با استفاده از آزمون کولموگوروف اسمیرنوف^۶ بررسی شد؛ نتایج نشان داد کلیه داده‌های پژوهش در سطح $(P \geq 0/05)$ نرمالند. با توجه به پیچیدگی و تعداد متغیرهای مشاهده‌شده در طرحواره‌های ناسازگار اولیه برای رعایت اصل امساک^۷ و پیشگیری از پیچیدگی مدل از روش بسته‌بندی سؤال (Item Parceling) استفاده شد. در این روش با توجه به ویژگی‌های روان‌سنجی گویه‌های پرسشنامه‌ها و نیز بارهای عاملی بین سازه و متغیرهای مشاهده‌شده در این متغیر، هر دسته از گویه‌ها که دارای بارهای عاملی مشابه و نیز قرابت ویژگی‌های روان‌سنجی بود به‌عنوان یک بسته (parcel) در نظر گرفته شد. از مزایای این روش، رعایت اصل امساک، جلوگیری از پیچیدگی مدل و برازش بهتر داده‌ها با مدل است (ماتسونگا، ۲۰۰۸)؛ در نتیجه بسته‌بندی کردن نیز برای بررسی همخطی چندگانه از شاخص‌های عامل تورم واریانس (VIF) و تحمل (Tolerance) استفاده شد و نتایج نشان داد حداقل و حداکثر مقدار عامل تورم واریانس $0/704$ و $0/965$ و برای شاخص تحمل $1/037$ و $1/418$ است (مقادیر Tolerance برابر با $0/01$ یا کمتر و مقادیر VIF بزرگ‌تر از 10 نشان‌دهنده هم‌خطی چندگانه است).

متغیرهای جمعیت‌شناختی: از بین ۳۰۰ نفر پاسخ‌دهنده، میانگین سنی و انحراف استاندارد افراد به ترتیب برابر $35/4$ و $9/63$ گزارش شد. از نظر سطح تحصیلات نیز ۵۳ نفر $(17/7\%)$ درصد تحصیلات زیر دیپلم؛ ۱۲۹ نفر (43%) درصد دیپلم و فوق‌دیپلم؛ ۸۴ نفر (28%) درصد تحصیلات لیسانس و ۳۴ نفر $(11/3\%)$ درصد دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر بودند.

یافته‌ها

نتایج تحلیل معادلات ساختاری با استفاده از داده‌های تجربی نشان می‌دهد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعارضات زناشویی به دلیل نقش میانجی ناگویی هیجانی با یکدیگر رابطه دارند؛ بنابراین نتایج مربوط به برخی از مهم‌ترین شاخص‌های

زیرمقیاس دشواری در شناسایی احساسات $(\alpha=0/78)$ ، دشواری در توصیف احساسات $(\alpha=0/75)$ و تفکر عینی $(\alpha=0/66)$ و برای کل پرسشنامه $(\alpha=0/81)$ گزارش کردند. اعتبار این ابزار در پژوهش (Besharat, 2013) با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای سه زیرمقیاس دشواری در شناسایی احساسات $(\alpha=0/85)$ ، دشواری در توصیف احساسات $(\alpha=0/82)$ و تفکر عینی $(\alpha=0/75)$ گزارش شده است. همچنین در این پژوهش مقدار آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های دشواری در شناسایی احساسات $(\alpha=0/85)$ ، دشواری در توصیف احساسات $(\alpha=0/81)$ و تفکر عینی $(\alpha=0/73)$ و برای کل پرسشنامه $(\alpha=0/85)$ گزارش شد. گویه‌های این ابزار مانند «بررسی احساساتم را برای حل مشکلات شخصی مفید می‌دانم» ناگویی هیجانی را اندازه‌گیری می‌کنند.

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

بر اساس مبانی نظری و پژوهش‌های انجام‌شده، مدلی فرضی تدوین شد که شامل تأثیر بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعارضات زناشویی به واسطه نقش میانجی ناگویی هیجانی بود. برای بررسی برازش مدل اصلی تحقیق، از روش تحلیل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار ایموس^۱ استفاده شد که با توجه به نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول^۲ به عنوان متغیرهای مشاهده‌شده در مدل فرضی پژوهش ارائه شد. برای بررسی معناداری همبستگی‌های مشاهده‌شده از روش‌های خودگردان‌سازی (بوت استراپ) استفاده شد.

همچنین موارد پاسخ کامل بررسی شد (مواردی که الگوی پاسخ یکسانی را برای پاسخگویی انتخاب کرده بودند) و در هیچ مورد پاسخ کاملی وجود نداشت. برای بررسی داده‌های پژوهش ابتدا مقادیر از دست‌رفته بررسی شدند و مقادیر از دست‌رفته^۳ تصادفی شناسایی و با میانگین جایگزین شدند. داده‌های پرت^۴ تک‌متغیره خارج از محدوده شناسایی و پس از بررسی داده‌های موجود مواردی که در محدوده بالا و پایین بودند حذف شدند. داده‌های پرت چندمتغیره نیز با استفاده از

5. mahalanobis distance
6. kolmogorov smirnov
7. parsimony

1. Amos
2. First Order Confirmatory Factor Analysis
3. missing value
4. outlier

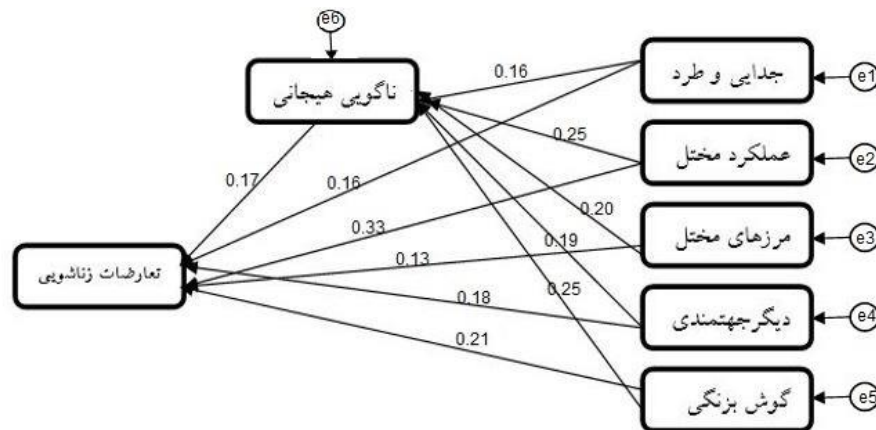
برازش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری پژوهش پس از اصلاح

نام شاخص	مقدار کفایت برازش	مدل اصلاح‌شده	مطلوبیت
نسبت خی دو بر درجه آزادی	۶/۵	۳/۷	کمتر از ۴
ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی (RMSEA)	۰/۰۹۲	۰/۰۸۶	کمتر از ۰/۱
شاخص نرم شده برازش (NFI)	۰/۷۷۴	۰/۸۷۹	بالاتر از ۰/۹۰
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۸۲۶	۰/۹۰۱	بالاتر از ۰/۹۰
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۷۷۸	۰/۹۰۰	بالاتر از ۰/۹۰
شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده (AGFI)	۰/۷۳۸	۰/۸۹۷	بالاتر از ۰/۹۰

شاخص‌ها در حد مطلوب گزارش شده‌اند و مدل با داده‌ها برازش مناسبی دارد و از آنجا که مقادیر مطلوبیت نسبی دارند بیانگر این است که رابطه خطی‌ای بین متغیرها و سازه‌های مکنون وجود دارد. در ادامه ضرایب مسیر استاندارد و خطاهای هر نشانگر در مدل ارائه و گزارش شده است.

برون داد تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد برای برازش بهتر مدل نیازمند برقراری کواریانس بین متغیرهای عملکرد مختل، مرزهای مختل و دیگر جهت‌مندی است و با برقراری کواریانس بین این متغیرها شاخص‌های برازش بهبود نسبی یافتند و سپس مدل اصلاح‌شده مجدد اجرا شد. نتایج حاصل از جدول ۲ حاکی از آن است پس از اصلاح مدل تمام



شکل ۱. ضرایب استاندارد شده مدل تحلیل معادلات ساختاری (مدل- اصلاح شده)

فرضیه‌های پژوهش، در ادامه به اثرات مستقیم و غیرمستقیم آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است.

بنابر مدل ارائه شده در شکل ۱ طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر تعارضات زناشویی تأثیر مستقیم و به دلیل نقش میانجی ناگویی هیجانی بر تعارضات زناشویی تأثیر غیرمستقیمی دارد. در جدول ۳ مقدار ضریب مذکور به همراه

مدل ارائه شده پژوهش در شکل ۱ از نوع بازگشتی^۱ است؛ به این معنا که کلیه مسیرها یک‌طرفه‌اند. در مدل اولیه طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر تعارضات زناشویی با نقش واسطه‌ای ناگویی هیجانی تأثیر دارند؛ با توجه به اینکه در مدل تحلیل مسیر آزمون شده مسیرهای بین متغیرهای مکنون همان

آماره معناداری آن ارائه شده است.

جدول ۴ ضرایب و معناداری اثرات طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر تعارضات زناشویی

متغیر مستقل	نوع اثر	متغیر وابسته	β	B	خطای استاندارد	CR	معناداری
جدایی و طرد	مستقیم	تعارضات	۰/۱۶	۰/۴۵۸	۰/۱۵۵	۲/۹۵	۰/۰۰۱
	غیرمستقیم	زناشویی	۰/۰۸	---	۰/۰۲۶	۱/۹۸	۰/۰۴۹
عملکرد مختل	مستقیم	تعارضات	۰/۳۳	۰/۹۹۴	۰/۱۴۰	۳/۲۸	۰/۰۰۱
	غیرمستقیم	زناشویی	۰/۱۳	---	۰/۰۲۵	۲/۲۴	۰/۰۲۱
مرزهای مختل	مستقیم	تعارضات	۰/۱۳	۰/۳۷۹	۰/۰۶۰	۱/۹۹	۰/۰۳۵
	غیرمستقیم	زناشویی	۰/۱۱	---	۰/۰۱۱	۲/۰۶	۰/۰۳۸
دیگر جهتمندی	مستقیم	تعارضات	۰/۱۸	۰/۵۰۸	۰/۲۵۸	۱/۹۷	۰/۰۴۹
	غیرمستقیم	زناشویی	۰/۰۹	---	۰/۰۴	۲/۰۴	۰/۰۴۲
گوش‌به‌زنگی	مستقیم	تعارضات	۰/۲۱	۰/۷۰۰	۰/۰۸	۳/۴۹	۰/۰۰۱
	غیرمستقیم	زناشویی	۰/۱۵	---	۰/۰۱۴	۲/۵۶	۰/۰۱۱
جدایی و طرد	مستقیم	ناگویی هیجانی	۰/۱۶	۱/۲۳	۰/۳۱۵	۲/۸۷	۰/۰۰۱
	مستقیم	ناگویی هیجانی	۰/۲۵	۱/۹۶	۰/۲۵۱	۲/۵۹	۰/۰۰۱
مرزهای مختل	مستقیم	ناگویی هیجانی	۰/۲۰	۱/۵۹	۰/۱۱۴	۲/۳۶	۰/۰۱۸
	مستقیم	ناگویی هیجانی	۰/۱۹	۱/۴۱	۰/۱۲۲	۱/۹۷	۰/۰۴۹
دیگر جهتمندی	مستقیم	ناگویی هیجانی	۰/۲۵	۱/۲۴	۰/۰۹۸	۴/۰۷	۰/۰۰۱
	مستقیم	تعارضات زناشویی	۰/۱۷	۰/۰۶۵	۰/۰۲۴	۲/۷۰	۰/۰۰۱

همان‌طور که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مسیر در جدول ۳ نشان داد، طرحواره‌های جدایی و طرد ($\beta = ۰/۱۶$)، عملکرد مختل ($\beta = ۰/۳۳$)، مرزهای مختل ($\beta = ۰/۱۳$)، دیگر جهتمندی ($\beta = ۰/۱۸$) و گوش‌به‌زنگی ($\beta = ۰/۲۱$) با تعارضات زناشویی رابطه مستقیم دارد که این روابط از نظر آماری با ۹۵ درصد اطمینان ($P \leq ۰/۰۵$) معنادار است؛ و در نهایت این نتایج برای رابطه مستقیم ناگویی هیجانی و تعارضات زناشویی ($\beta = ۰/۱۷$) نیز معنادار بود؛ بنابراین یافته‌های این پژوهش نشان داد که هر سه فرضیه پژوهش تأیید شدند.

نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعارضات زناشویی به واسطه نقش میانجی ناگویی هیجانی بود. نتایج این پژوهش نشان داد این مدل از برآش مطلوبی برخوردار است و همچنین حیطه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه به صورت مستقیم و از طریق نقش میانجی ناگویی هیجانی بر تعارضات زناشویی تأثیر دارد. این نتیجه

همان‌طور که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مسیر در جدول ۳ نشان داد، طرحواره‌های جدایی و طرد ($\beta = ۰/۱۶$)، عملکرد مختل ($\beta = ۰/۳۳$)، مرزهای مختل ($\beta = ۰/۱۳$)، دیگر جهتمندی ($\beta = ۰/۱۸$) و گوش‌به‌زنگی ($\beta = ۰/۲۱$) با تعارضات زناشویی رابطه مستقیم دارد که این روابط از نظر آماری با ۹۵ درصد اطمینان ($P \leq ۰/۰۵$) معنادار است. همچنین نتایج نشان داد طرحواره‌های جدایی و طرد ($\beta = ۰/۱۶$)، عملکرد مختل ($\beta = ۰/۲۵$)، مرزهای مختل ($\beta = ۰/۲۰$)، دیگر جهتمندی ($\beta = ۰/۱۹$) و گوش‌به‌زنگی

از ازدواج نیز همراه این فرد خواهد بود و روند زندگی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. افرادی که دارای طرحواره‌ی رهاشدگی‌اند نیز در انتظار روزی‌اند که طرف مقابل او را ترک کند و این اتفاق دیر یا زود می‌افتد. افرادی که انزوای اجتماعی دارند به هیچ گروهی احساس تعلق ندارند و به‌طور مدارم از برخورد با دیگران پرهیز می‌کنند؛ این افراد نمی‌توانند هیجانان خود را به‌خوبی بروز دهند زیرا ابراز هیجانی باعث فاش شدن آن‌ها می‌شود و دیگران نقص آن‌ها را کشف و آنها را از گروه خود طرد می‌کنند. اگر فرد طرحواره‌ی اطاعت داشته باشد ممکن است هیجانان خود را نادیده بگیرد تا بتواند به هیجانان دیگران رسیدگی کند. این افراد هیجانان خود را ناچیز می‌دانند و احساس می‌کنند هیجانان دیگران مهم‌تر از هیجانان آن‌هاست. یکی از طرحواره‌های هیجانی بازداری هیجانی است که در تأثیر مستقیم با ناگویی هیجانی قرار دارد؛ این افراد برای اینکه از واقعیت‌های هیجانی پرهیز کنند از خودافشگری پرهیز می‌کنند، از نظر عاطفی سرد و بی‌روحند که مانع از ابراز هیجانان آن‌ها نسبت به دیگران است. افراد انتقام‌جو به‌شدت به دنبال رسیدن به سطح عالی از استانداردهایند و در این راه آرامش و آزادی خود را فدا می‌کنند و زمانی که به موفقیت در این راه نرسند خود را بی‌ارزش تلقی می‌کنند. افرادی که دارای طرحواره‌ی استحقاق و بزرگ‌منشی‌اند معمولاً افرادی خودشیفته‌اند و دیگران را افرادی پست می‌پندارند و برای دیگران ارزش قائل نمی‌شوند تا بتوانند هیجانان خود را نسبت به آن‌ها ابراز کنند. نتایج این پژوهش با یافته‌های (Arianfar & Pourshahriari, 2017, Asghari, et al., 2015, Saeedi & Moghtader & Halaj, 2018 & Ghasemi) همسو بود. در مجموع می‌توان گفت طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند نقش بسزایی در کلیه‌ی مراحل زندگی داشته باشد. این طرحواره‌های ناسازگار اگر درمان نشوند می‌توانند سبب بروز ناگویی هیجانی و در نتیجه تعارضات زناشویی و در نهایت پایان زندگی مشترک شود. در پایان ذکر این نکته ضروری است که یافته‌های پژوهش حاضر نیازمند آن است که در بافت محدودیت‌های آن تفسیر شود. اجرای پژوهش با استفاده صرف از ابزار خودگزارش‌دهی از جمله این محدودیت‌ها بود که با توجه به روش نمونه‌گیری تعمیم و تفسیر نتایج را نیازمند

آماری از نظر مفهومی به این معناست که شدت و مقدار طرحواره‌های ناسازگار اولیه‌ی زوجین می‌تواند باعث افزایش تعارض بین زوجین شود و این تأثیر تحت تأثیر متغیر ثانویه‌ای مانند ناگویی هیجانی قرار می‌گیرد. طرحواره‌های ناسازگار موجب برانگیخته شدن درجات مختلفی از هیجان‌هایی مانند خشم (Mehrabinia & Shamsaee, 2018 & Barahimi & Sarafraz, 2016)، اضطراب (Hasanvand Amozadeh, 2013 & Ghadampour, 2013) و افسردگی (Zerehpooosh, 2011 & Shahamat, 2011) در افراد می‌شود. زمانی که بین زوجین تعارض به وجود می‌آید هیجانان نامبرده برانگیخته می‌شوند و تجربه‌ی ناخوشایند و غیرقابل‌تحملی را برای هریک از زوجین به وجود می‌آورد زیرا هریک از این هیجانان می‌تواند یادآور تجارب منفی و ناخوشایند در گذشته‌ی فرد باشد و فرد را وادار می‌کند برای دفاع از خود واکنش‌هایی را بروز دهد. یکی از متغیرهایی که تأثیر بسزایی از طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌پذیرد ناگویی هیجانی است. به عقیده‌ی (Young & Long, 1998) نیز تعارض زناشویی هنگامی بروز می‌کند که زوجین در مراحل غیرقابل‌پیش‌بینی، درجات مختلفی از شرایط بحرانی و استرس‌زا را تحمل می‌کنند که این فشار روانی، زمینه را برای بروز اختلافات و تعارض بین زوجین فراهم می‌کند (Saeedi & Ghasemi, 2017). طبق نظریه‌های هیجانی، افراد در شیوه‌ی تجربه‌ی هیجانان و مفهوم‌سازی آن‌ها متفاوتند و بسته به باورهایی که در مورد هیجانان خود دارند، روش‌های متفاوتی برای اقدام انتخاب می‌کنند (Silver, 2012).

افرادی که دارای سطوح بالایی از طرحواره‌های ناسازگار اولیه‌اند نیازهای هیجانی ارضاننده‌ای مانند احساس امنیت، توانایی همدلی، دلبستگی ایمن و نیاز به محبت از جانب دیگران را دارند. این نیازهای ارضا نشده در تمام مراحل زندگی به همراه این افراد خواهد بود و در مواقع فشار و شرایط استرس‌زا خود را به شکل‌های مختلف بروز می‌دهند. هریک از طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌نوعی می‌تواند زمینه‌ساز ناگویی هیجانی و در نهایت تعارض زناشویی شود. افرادی که دارای طرحواره‌ی محرومیت هیجانی‌اند در طول زندگی مورد توجه و محبت قرار نگرفته‌اند، این طرحواره پس

- Bagby, R. M., Taylor, G. J., & Parker, J. D. (1994). The twenty-item Toronto Alexithymia Scale—II. Convergent, discriminant, and concurrent validity. *Journal of psychosomatic research*, 38(1), 33-40.
- Barahimi, N., & Sarafraz, M. (2016). Prediction of anger based on early maladaptive schemas. *Fourth International Conference on Recent Innovations in Psychology, Counseling and Behavioral Sciences*. [Persian]
- Besharat, M. A., Naghshineh, N., Ganji, P., & Tavalaeyan, F. (2014). The moderating role of attachment styles on the relationship of alexithymia and fear of intimacy with marital satisfaction. *International Journal of Psychological Studies*, 6(3), 106. [Persian]
- Bitsika, V., Sharpley, C. F., & Peters, K. (2010). How is resilience associated with anxiety and depression? Analysis of factor score interactions within a homogeneous sample. *German Journal of Psychiatry*, 13(1), 9-16.
- Castonguay, L. G., & Hill, C. E. (2007). *Insight In Psychotherapy* (pp. xvi-481). American Psychological Association.
- Cheng, C. C. (2010). A study of inter-cultural marital conflict and satisfaction in Taiwan. *International Journal of Intercultural Relations*, 34(4), 354-362.
- Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2010). *Marital Conflict and Children: An Emotional Security Perspective*. Guilford Press.
- Dumitrescu, D., & Rusu, A. S. (2012). Relationship between early maladaptive schemas, couple satisfaction and individual mate value: An evolutionary psychological approach. *Journal of Evidence-Based Psychotherapies*, 12(1), 63.
- Faircloth, B. (2012). Children and Marital Conflict: A Review. *Case makers*. 6(1). 1-5.
- Garver, M. S., & Mentzer, J. T. (1999). Logistics research methods: employing structural equation modeling to test for construct validity. *Journal of Business Logistics*, 20(1), 33.
- Ghaem Magami, T., Abolghasemi, A., & Niknam, M. (2017). The Role of Intimacy and Communicative Dynamics in Predicted of Family Function in احتیاط ویژه می‌نماید. انجام پژوهش‌های مکمل با روش‌های آزمایشی و علی-مقایسه‌ای به‌ویژه با کنترل متغیرهای تأثیرگذار در این روابط در چهارچوب مدل‌یابی معادلات ساختاری در این زمینه پژوهشی، پیشنهاد می‌شود. تعارضات زناشویی یکی از مشکلاتی است که می‌تواند در صورت عدم تدبیر مناسب در این زمینه به نابودی زندگی زناشویی منجر شود؛ بنابراین شناخت راهکارهای مورد نیاز برای برون‌رفت از این مشکل باید شناسایی شود. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان گفت ناگویی هیجانی یکی از متغیرهای تأثیرگذار در این رابطه است که اگر در روابط زوجین شناخته و درمان شود می‌تواند تأثیر بسزایی در این زمینه داشته باشد.
- منابع
- Ahi, G. (2004). Standardization of the short form of the Young Schema Questionnaire (SQ-SS) (factor structure study) among students of Tehran universities in the academic year of 2005-2006. *Allameh Tabatabai M.Sc. Thesis, Faculty of Psychology and Educational Sciences*. [Persian]
- Antoine, P., Antoine, C., & Nandrino, J. L. (2008). Development and validation of the cognitive inventory of subjective distress. *International Journal of Geriatric Psychiatry: A Journal of The Psychiatry of Late Life And Allied Sciences*, 23(11), 1175-1181.
- Arianfar, N., & Pourshahriari, M. (2017). Structural equation modeling of the predicting marital conflict on the basis of initial maladaptive schemas of the cuts and rejection areas and the mediatory variable of the lovemaking styles. [Persian]
- Asghari, F., Sadeghi, A., Khakdoost, S. Z., & Entezari, M. (2015). Investigating the relationship between early maladaptive schemas with marital conflict and instability in the couples of applicant of divorce and normal couples. *Family pathology, Counseling and Enrichment Journal*, 1(1), 46-58. [Persian]
- Azadbakht, R., & Vakili, P. (2013). Relationship between early maladaptive schemas and marital satisfaction of women. *Journal of Educational of Psychology*, 4(15), 11-18. [Persian]

- Wiley & Sons.
- Mehrabinia, F., & Shamsaee, M. M. (2018). Examination of the association between early maladaptive schemas and anger rumination in students based on gender. [Persian]
- MehrAzad Saber, M., & Zeynali, S. (2013). The relationship between emotional distress and happiness with marital conflicts among couples referring to counseling centers in Rasht. *The First National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies, Tehran, Mehr Arvand Institute of Higher Education, Center for Strategies for Achieving Sustainable Development*. [Persian]
- Moghtader, L., & Halaj, L. (2018). Comparing Early Maladaptive Schemas, Alexithymia and Happiness in Women With and With-out Marital Conflict. *Journal of Clinical Nursing and Midwifery*, 7(2), 138-145. [Persian]
- Murphy, Christina; Barry, Margaret M.; Nic Gabhainn, Saoirse. (2018). Programme Implementation in Schools: Conceptualisations from Irish Teachers. *Health Education*, v118 n6 p483-498.
- Myers, D. G., & Smith, S. M. (2012). *Exploring social psychology*. New York: McGraw-Hill.
- Obara, Y., & Kashihara, A. (2017). Refining Presentation Documents with Presentation Schema. *International Association for Development of the Information Society*.
- P. Greeff, Tanya De Bruyne, A. (2000). Conflict management style and marital satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 26(4), 321-334.
- Park, H. J., & Byun, S. H. (2017). Effects of Self-differentiation of Remarried Couples, Marital Intimacy, Marital Conflict Coping Style on Marital Satisfaction. *The Journal of the Korea Contents Association*, 17(7), 236-252.
- Platts, H., Tyson, M., & Mason, O. (2002). Adult attachment style and core beliefs: Are they linked?. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 9(5), 332-348.
- Pornor, Z. (2015). The relationship between emotional malaise, early maladaptive schemas and resilience with life satisfaction in students. Master Thesis, Women with Marital Conflict. *International Journal of Advanced Studies in Humanities and Social Science*, 6(1), 17-22.
- Guerin Jr, P. J., Fay, L. F., Burden, S. L., & Kautto, J. G. (1987). *The evaluation and treatment of marital conflict*. Basic Books.
- Hanson, R. K. (2003). Empathy deficits of sexual offenders: A conceptual model. *Journal of Sexual Aggression*, 9(1), 13-23.
- Hasanvand Amozadeh, M, Hasanvand Amozadeh, A., & Ghadampour, M. (2013). Predicting symptoms of social anxiety (fear, avoidance and physiological discomfort) based on early maladaptive schemas. *New Psychological Research*, 8(32), 89-110. [Persian]
- Jahandideh Kazempour, M. (2003). Measuring customer satisfaction, pathology and its mechanisms. Fourth International Conference of Quality Managers.
- James Parker, T. (2019). Conflict Style and Marital Satisfaction in Black Intercultural Couples. [Persian]
- Kebritchi, A., & Mohammadkhani, S. (2016). The role of marital burnout and early maladaptive schemas in marital satisfaction between young couples. *International Journal of Medical Research & Health Sciences*, 5(12), 239-246. [Persian]
- Kiley, W. J. (2017). *The impact of principal mentoring programs on the moral judgment of school principals*. Indiana University of Pennsylvania.
- Kim, B. R., Chow, S. M., Bray, B., & Teti, D. M. (2017). Trajectories of mothers' emotional availability: Relations with infant temperament in predicting attachment security. *Attachment & human development*, 19(1), 38-57.
- Kline, G. H., Pleasant, N. D., Whitton, S. W., & Markman, H. J. (2006). *Understanding Couple Conflict*.
- Kline, R. B., & Kline, R. B. (1998). Principles and practice of structural.
- Markman, H. J., Stanley, S. M., & Blumberg, S. L. (2010). *Fighting for your marriage: A deluxe revised edition of the classic best-seller for enhancing marriage and preventing divorce*. John

- Vaezi, A. (2018). The effect of acceptance and commitment therapy on married people's mental health and emotional self-disclosure. *Master Thesis. Islamic Azad University, Roodehen Branch.* [Persian]
- Vogel, S., Kluehn, L. M., Fernández, G., & Schwabe, L. (2018). Stress leads to aberrant hippocampal involvement when processing schema-related information. *Learning & Memory, 25*(1), 21-30.
- Waring, E. M., Holden, R. R., & Wesley, S. (1998). Development of the marital self-disclosure questionnaire (MSDQ). *Journal of Clinical Psychology, 54*(6), 817-824.
- Young, J. E. (1999). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach.* Professional Resource Press/Professional Resource Exchange.
- Young, J. E., & Brown, G. (2005). Young Schema Questionnaire-Short Form; Version 3. *Psychological Assessment.*
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). Schema therapy. *New York: Guilford, 254.*
- Zerehpooch, A. (2011). The effectiveness of schema therapy on chronic depression in Isfahan University students. *Isfahan: Isfahan University.* [Persian]
- Islamic Azad University of Kermanshah.*
- Saeedi, M., & Ghasemi, M. (2017). A study of emotional distress and marital conflicts in women on the verge of divorce and marriage. *2nd International Congress of Humanities, Cultural Studies, Tehran, Center for Empowerment of Cultural and Social Skills.* [Persian]
- Sayadi, G. (2016). The effectiveness of schema therapy on emotional distress and feelings of inferiority of adolescent girls in divorce families in Kermanshah. *Master Thesis, Razi University of Kermanshah.* [Persian]
- Shahamat, F. (2011). Predicting general health symptoms (physicalization, anxiety and depression) based on early maladaptive schemas. *New Psychological Research, 5*(20), 103-124. [Persian]
- Shishido, H. (2011). *Alexithymia and Impulsivity: Testing Mechanisms for Alcohol Use and Related Problems* (Doctoral dissertation, University of South Dakota).
- Silver, A. (2012). The secret of staying in love.
- Swart, M., Kortekaas, R., & Aleman, A. (2009). Dealing with feelings: characterization of trait alexithymia on emotion regulation strategies and cognitive-emotional processing. *PloS one, 4*(6), e5751.
- Talanquer, V. (2018). Progressions in reasoning about structure–property relationships. *Chemistry Education Research and Practice, 19*(4), 998-1009.